

شوقی افندی معمار ائتلاف بهائیان و صهیونیسم

۷ آبان ۱۳۹۹ ساعت ۲۰:۱۸

اسرائیل یکی از اولین و مؤثرترین حکومت‌هایی بود که بهائیت را به رسمیت شناخت و آن را جزو مذاهب رسمی کشور خود قرار داد. ضمناً جذب سرمایه‌های بزرگ بهائیان و طبعاً سرمایه‌گذاری آنان در اسرائیل که باعث شکوفایی اقتصادی این حکومت می‌شد، از عواملی بود که باعث شد اسرائیل به شدت روی خوش به بهائیان نشان دهد. با توجه به تدفین رهبران بهائی در این کشور که ره ساله گروه‌های بهائی را با سرمایه‌های کلان به آنجا می‌کشاند، به انگیزه تفاهم فوق‌العاده اسرائیلیان و بهائیان بیشتر و بهتر واقف می‌شویم. از این که شوقی یکی از وظایف شورای بین‌المللی بهائیان را رابطه با دولت اسرائیل بیان می‌کند، می‌توان به توجه شدید او بدین حکومت پی برد...

کافه تاریخ - مقالات

جریان بعد از انقلاب مشروطه با توجه به غلبه مشروطه‌خواهان بر مشروعه‌خواهان زمینه را برای جدایی دین از سیاست فراهم نمود. در این احوال، زمینه برای حضور وابستگان به ایدئولوژی‌های غیراسلامی در صحنه سیاسی فراهم شد. در دوران پهلوی به ویژه در دوره پهلوی دوم با توجه به پاکسازی ساختارهای اجرایی جامعه از دین توسط رضاخان و به علت مساعد شدن شرایط حضور بهائیان در صحنه‌های اجتماعی و بخصوص سیاسی، شاهد حضور گسترده و فعال آنان در مناصب کلیدی هستیم، این افراد در واقع نقش توزیع‌کنندگان فرقه بهائیت در ایران را بازی می‌کردند. این توزیع‌کنندگان از ساختار دولت برای پیاده کردن منویات خود استفاده نمودند. در این نوشتار، نخست به شرح حال و افکار رهبر این فرقه در این دوره می‌پردازیم. آغاز حکومت رضاخان همراه است با ابتدای رهبری شوقی افندی جانشین عباس افندی که می‌توان از وی می‌توان به عنوان معمار ائتلاف فرقه انحرافی بهائیت و صهیونیسم جهانی نام برد.

شوقی افندی ربانی (۱۳۱۴-۱۳۷۷ ه.ق)، معمار ائتلاف بهائیت و صهیونیسم جهانی

عباس افندی هنگام مرگ، فرزند پسر نداشت و با آن که غصن اکبر زنده بود، وی با نوشتن الواح وصایای خود برای رهبری و ریاست بهائیان قرار تازه‌ای نهاد و سلسله ولایت امرالله را تأسیس نمود. بنابر مضامین الواح وصایا، ولی امرها یکی پس از دیگری خواهند آمد و هر یک باید جانشین خود را تعیین نماید و ایشان مبین آثار بهائی و مرجع مطاع همگانی و رئیس دائمی مجلس بیت‌العدل هستند. براساس همین نوشته اولین ولی امر، نوه دختری سرکار آقا یعنی شوقی افندی می‌باشد و پس از او سلسله

اولیاء امر در نسل او و فرزند ذکور و بکر او خواهد بود. ۲

شوقی افندی پسر میرزا هادی افنان و دخترزاده عباس بود. او در ایام حیات جدش، در دانشگاه آمریکایی بیروت و آکسفورد انگلستان به مطالعه و تحصیل مشغول بود. پس از مگر عبدالبهاء، شوقی به یاری مادرش به ریاست رسید، اما گروهی او را نپذیرفتند و جدایی دیگری در این فرقه ایجاد شد. برخی از مبلغین و بزرگان بهائیت همچون عبدالحسین آیتی (آوار) و فیض الله صبحی (کاتب عبدالبهاء) و میرزا حسن نیکو و کسان دیگری از عقاید بهائی به دامن پاک اسلام برگشتند و چون شوقی آنان را به باد ناسزا و بدگویی گرفت، آنها هم با نوشتن کتابهایی چون کشف الحیل، خاطرات صبحی و فلسفه نیکو، سوابق زشت و ناپسند ایام صباوت و شباب شوقی را بروز دادند. گروهی دیگر از بهائیان، الواح وصایا را نامعتبر دانستند و میرزا احمد سهراب را که از خویشان نزدیک شوقی بود به پیشوایی برداشتند و نام سهرابی بر خود نهاده، کاروان خاور و باختر را تشکیل دادند. ۳

شوقی افندی و ایجاد تشکیلات حزبی بهائیت

شوقی افندی در ایام ریاست خود به تقلید از اروپاییان به بهائیت صورت تشکیلات حزبی داد و محافل منتخب محلی و ملی به وجود آورد و در برخی کشورها آنها را به عنوان محافل مذهبی یا حتی شرکت‌های تجاری به ثبت رساند. ۴ روحیه خانم همسر شوقی در این باره می‌نویسد: «میل مبارک آن است که... محفل را به اسم جمعیت دینی و اگر نشد به عنوان هیأتی تجاری تسجیل نمایند.» ۵ به نظر می‌رسد به سبب همین تشکیلات اداری و حزبی است که تاکنون بهائیت توانسته است باقی بماند. یک نظام کنترل اجتماعی نیز در این تشکیلات تعبیه شده بود و هر کس مخالف میل شوقی کاری می‌کرد ابتدا از این تشکیلات اخراج می‌شد که به آن «طرده اداری» می‌گفتند و سپس از جامعه بیرون می‌شد که آن را «طرده روحانی» می‌خواندند. بسیاری کسان گرفتار چنین مجازاتی شدند.

در زمان حیات شوقی حکومت یهودی اسرائیل در فلسطین روی کار آمد و به پاداش مساعی بی‌شمار بهائیت در ایجاد یک فرقه مذهبی در قلب جامعه اسلامی، این مسلک در آنجا رسمیت یافت و املاک و اموال ایشان تحت حمایت واقع شد و از مالیات و عوارض معاف گردید ۶ و برای اولین بار نام «ارض اقدس» و «مشرق الاذکار» که منظور کشور اسرائیل است از زبان شوقی شنیده شد.

بابیان و بهائیان توسل به زور را برای پذیرفتن آیین خود منع کرده بودند مگر در مورد مسلمانان که مال و جان و ناموس آنان را مباح اعلام کرده و حتی آنان را شکنجه می‌دادند و سپس به شهادت می‌رساندند. با توجه به اختلاف شدید و دیرین مسلمانان و یهودیان، شوقی تصمیم گرفت تا سرزمین اسرائیل را مرکز اصلی بهائیان قرار داده و دولت یهود را به عنوان پناهگاه و تکیه‌گاه این فرقه درآورد. از آنجا که یهودیان نیز بر اثر اختلافی که با مسلمانان داشتند هر نیروی ضد اسلامی را مورد حمایت قرار می‌دادند و نیز سرزمین اسرائیلیان (فلسطین اشغالی) در محاصره کشورهای مسلمان قرار داشت، اسرائیل یکی از اولین و مؤثرترین حکومت‌هایی بود که بهائیت را به رسمیت شناخت و آن را جزو مذاهب رسمی کشور خود قرار داد. ضمناً جذب سرمایه‌های بزرگ بهائیان و طبعاً سرمایه‌گذاری آنان در اسرائیل که باعث شکوفایی اقتصادی این حکومت می‌شد، از عواملی بود که باعث شد اسرائیل به شدت روی خوش به بهائیان نشان دهد. با توجه به تدفین رهبران بهائی در این کشور که ره ساله گروه‌های بهائی را با سرمایه‌های کلان به آنجا می‌کشاند، به انگیزه تفاهم فوق‌العاده اسرائیلیان و بهائیان بیشتر و بهتر واقف می‌شویم. از این که شوقی

یکی از وظایف شورای بین‌المللی بهائیان را رابطه با دولت اسرائیل بیان می‌کند، می‌توان به توجه شدید او بدین حکومت پی برد. همچنین وی در نقشه ده ساله‌اش در هدف بیست و چهارم، حمایت از دولت اسرائیل را بر همه دولتهای جهانی ترجیح می‌دهد و تأسیس شعب محافل روحانی و ملی بهائیان را فقط در ارض اقدس و بر حسب قوانین حکومت جدیدالتأسیس اسرائیل ممکن می‌داند. به دنبال این اعمال پرفسور نرمان نیویچ از شخصیت‌های سیاسی و حقوقی دولت اسرائیل چنین می‌گوید: «اینک نباید فلسطین را فی‌الحقیقه منحصراً سرزمین سه دیانت محسوب داشت، بلکه باید آن را مرکز و مقر چهار دیانت به شمار آورد، زیرا امر بهائی که مرکز آن حیفا و عکاست و این دو مدینه زیارتگاه پیروان آن است که به درجه‌ای از پیشرفت و تقدم نائل گشته که مقام دیانت جهانی و بین‌المللی را احراز نموده است و همان طور که نفوذ این آیین در سرزمین مذکور روز به روز، رو به توسعه و انتشار است در ایجاد حسن تفاهم و اتحاد بین‌المللی ادیان مختلفه عالم نیز عامل بسیار مؤثری به شمار می‌آید.»^۷ به هر حال هم اکنون مرکز بهائیان در اسرائیل است و آنان از حمایت‌های بی‌دریغ این رژیم استفاده می‌کنند.

شوقی ربانی به سال ۱۳۷۷ هـ.ق برابر با ۱۳۳۶ هـ.ش یعنی در سال شانزدهم سلطنت محمدرضا شاه در لندن به مرض آنفلوآنزا دچار شد و از دنیا رفت و همان جا مدفون است. آثار زیر از شوقی افندی در دست می‌باشد:

۱- ترجمه تاریخ نبیل به زبان انگلیسی با مقدمه و پاورقی به نام (Bredkers Dawn The)

۲- قرن بدیع به زبان انگلیسی به نام (By Passes God) که توسط مودت به فارسی ترجمه شده است.

۳- توقیعات مبارکه در ۳ جلد

۴- دور بهائی و چند نوشته دیگر

پس از مرگ شوقی افندی که در سال ۱۳۳۶ هـ.ش اتفاق افتاد، رهبری بهائیت دچار چند دستگی شد و کشمکش شدیدی میان بهائیان بر سر جانشینی او به وجود آمد، که پرداختن به آن خود مجال دیگری می‌طلبد. بررسی اقدامات شوقی و تأسیس عجولانه بیت‌العدل و قرار دادن مقر آن در اسرائیل روشن می‌سازد که رهبران این فرقه به دنبال چه اهداف سیاسی در منطقه خاورمیانه بوده‌اند. کالبدشکافی بیت‌العدل اعظم همراه با نقشه‌های مختلف ده ساله، هفت ساله و چهار ساله و که با حمایت‌های بی‌منت و بی‌دریغ سازمان‌های بین‌المللی و دولتهای استعمارگر همراه بوده است و نیز تشکیلات آن که تا اقصی نقاط قبایل آفریقا نیز بسط یافته است، همگی حاکی از وجود یک حزب منظم، منسجم و با برنامه است که با سوءاستفاده از انگیزه‌های دینی و در قالب احکام دینی، بهائیان را به خدمت گرفته و آنان را به هر سو که می‌خواهند می‌کشاند.^۸

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۴۷۰۹۹/صهیونیسم-بهائیان-ائتلاف-معمار-افندی-شوقی>